

■ **۱۵۹** سال پیش که جنگ داخلی آمریکا بین شمالی‌ها و جنوبی‌ها در می‌گرفت، در حقیقت نطفه‌اش در دعوای جناح‌ها بر سر انتخابات ریاست‌جمهوری بسته شده بود. واقیعات نگران‌کننده امروز این احتمال را قوت می‌بخشد که تاریخ آمریکا به محتوم‌ترین شکل ممکن در حال تکرار است

شروین طاهری

روزنامه‌نگار

روز به روز بر تعداد آمریکایی‌هایی افزوده می‌شود که رسوم نوامبر ۲۰۲۰ یعنی موعد انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده را تاریخ آغاز دومین جنگ داخلی در کشورشان برمی‌شمارند. جامعه یانکی‌ها چنان له و علیه ترامپیسم دوقطبی شده که احتمالاً ۱۳ آبان، روز نمایش پر سروصداترین دموکراسی دنیا به روز ختم دموکراسی به سبک آمریکایی‌اش تبدیل خواهد شد.

نکته اینجاست که مرور سابقه ۲۵۰ ساله دموکراسی در ینگه دنیا، خوش‌بین‌ترین تحلیل‌گران اوضاع سیاسی و اجتماعی آمریکا را نیز خلع سلاح می‌کند. تاریخچه این دموکراسی که از ابتدا نیز بشدت مسلح بوده، بیش از آنکه تصویرگر کلیشه سیاسی قرن بیستمی آمریکایی یعنی یک نظام پیشرو مردمسالار باشد، کلیشه سینمایی غرب وحشی را در نظر ما مجسم می‌کند.

۱۵۹ سال پیش که جنگ داخلی آمریکا بین شمالی‌ها و جنوبی‌ها در می‌گرفت، در حقیقت نطفه‌اش در دعوای جناح‌ها بر سر انتخابات ریاست‌جمهوری بسته شده بود.

در آن موقع ایالات متحده بتازگی دوران انتقال سیاسی دهه ۱۸۵۰ را پشت سر گذاشته بود و حزب جمهوری‌خواه که «آبراهام لینکلن» با آن متحد شده بود، حزبی نوپا محسوب می‌شد. انتقال سیاسی آن زمان تا حدی مشابه تحولی بود که آمریکای جورج بوش پسر در فضای پس از رکود سپتامبر سیاه ۲۰۰۸ یا روند «تغییر» اوباما پشت‌سر گذاشت. در نتیجه افول مشروعبت حزب جمهوری‌خواه، سپس حضور یک رئیس‌جمهور دموکرات تیره‌پوست غیرمتعارف در کاخ سفید و معرفی نخستین زنی که بختی جدی برای رسیدن به پست ریاست‌جمهوری آمریکا داشت، مشروعبت مرکزیت سیاسی هر ۲ حزب در جامعه به کمترین حد خود رسید و فضا برای به قدرت رسیدن نامتعارف‌ترین رئیس قوه مجریه در ینگه دنیا هموار شد. دونالد ترامپ هم نه از بخش سنتی رو به افول حزب جمهوری‌خواه بلکه از دل جریان‌های حاشیه‌ای در GOP بر آمد و به موازات نزاع با دموکرات‌ها و لیبرال‌ها، یک جنگ درون‌حزبی تمام‌عیار به راه انداخت.

در آمریکای قرن نوزدهم در آستانه جنگ داخلی اول نیز وضعیت مشابه از هم گسیختگی حزب جمهوری‌خواه در سال‌های نخست قرن بیستم‌ویکم را شاهد بودیم با این تفاوت که این حزب قدیمی‌تر دموکرات بود که به خاطر اختلاف میان شمالی‌ها و جنوبی‌ها بر سر برده‌داری دپواره شده بود.

حزب نوپای جمهوری‌خواه هم با بهره‌برداری از افت مشروعبت حاکمیت سیاسی کنگره و سوار بر شعارهای عصر مدرن، گوی سبقت را در انتخابات ۱۹۶۱ از رقبای دموکرات دچار اختلاف بود. مهم‌ترین شعار کارزار لینکلن، یعنی مبارزه با برده‌داری در واقع نماد برتری اقتصاد

صنعتی ایالات‌سزدر شمالی‌مبنتی بر واحدهای صنعتی نیازمند به نیروی کار گر ارزان و متخصص بود بر اقتصاد زراعت‌محور ایالات‌گرم‌تر جنوبی‌مبنتی بر نظام اربابی و ملکی نیازمند به شکل قدیمی نیروی کار یعنی برده‌ها. اگر چه با محدود شدن تجارت برده از قاره آفریقا به آمریکا و افزایش هزینه‌های مادی نگهداری برده‌ها، برتری زمین‌داران بزرگ ایالات جنوبی و اقتصاد زراعی‌شان در معرض خطر قرار گرفته بود اما آنها هنوز چشم‌اندازی امیدوارانه برای تسلط بر سرزمین‌های تازه تصرف شده غرب وحشی به کمک نظام برده‌داری داشتند.

دموکرات‌های برده‌دار جنوبی که توسط شمالی‌ها «آتش‌خوار» نامیده می‌شدند، با اینکه در قلمرو خود هم در اقلیت بودند اما با استفاده از فضای سنتی‌تر جنوب و ایجاد دوقطبی در مقابل جمهوری‌خواهان تازه‌وارد به عرصه سیاسی، بخش مهمی از جامعه ملاکان را علیه آنها شوراندند. طرفه آنکه در شعارهای‌شان جمهوری‌خواهان و حامیان لغو برده‌داری را تندرو می‌نامیدند تا با حاکم کردن جو ازاب، جلوی شورش یا فرار احتمالی برده‌های‌شان را بگیرند که طبیعتاً جذب شعار لینکلن شده بودند.

وقتی لینکلن بهار سال ۱۹۶۱ میلادی به عنوان رئیس‌جمهور جدید با شعار لغو برده‌داری در واشنگتن سوگند یاد کرد، جنوبی‌ها این را به منزله اعلان جنگ مرکز و شمال علیه خود برشمردند. در نتیجه ایالات جنوبی آمریکا در قالب یک کنفدراسیون مقابل تصمیم کاخ سفید ایستادند و اعلام کردند که از کشور ایالات متحده جدا می‌شوند.

این مقدمه آغاز جنگ داخلی خونینی بود که از آوریل سال ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ ادامه یافت و حدود یک میلیون نفر را به واسطه جنگ مستقیم و بیماری و قحطی و آوارگی ناشی از آن به کام مرگ کشید و باعث مجروحیت و معلولیت نزدیک به ۲ میلیون نفر در دورانی شد که کل جمعیت ایالات آمریکایی ۳۱/۵ میلیون نفر برآورد می‌شد.

واقیعات نگران‌کننده امروز این احتمال را قوت می‌بخشد که تاریخ آمریکا به محتوم‌ترین شکل ممکن در حال تکرار است.

واقعه ۳ پیش سال شارلوتسویل در ایالت ویرجینیا فقط یک کشته و ۱۹ زخمی‌داشت اما الگویی نسبی از نحوه جنگ‌های خیابانی آتی بین متعصب‌ترین طبیف‌های جمهوری‌خواه و دموکرات یعنی نئونازی‌ها و آنتی‌فا به دست داد. از آن زمان شاهد صفتبندی‌های هر چه متددتر و خطرناک‌تر حامیان متعصب و بعضاً مسلح حزب جمهوری‌خواه که روز به روز ترامپی‌تر می‌شوند، در مقابل جنبش‌های اعتراضی زیرمجموعه دموکرات‌ها شامل گروه‌های ضدنژادپرستی، لیبرال‌های دگرپاش و آنارشیزست هستیم.

از آن بدتر رهبران و رسانه‌های طرف هستند که مدام طرف مقابل را به خون به پا کردن، شورش و نافرمانی و حتی جنگ و کودتا در صورت پیروز نشدن نامزد مورد حمایت‌شان تهدید می‌کنند.

حتی واشنگتن‌پست، یکی از روزنامه‌های بشدت ضدترامپی، حدود ۲۰ روز پیش در مقاله‌ای تاریخی، هشدار داد که میل

فزاینده ۲ جناح به عدم پذیرش نتایج انتخابات می‌تواند به

دومین جنگ داخلی آمریکا منجر شود.

پروفسور آرون شینان-دین، محقق دانشگاه دولتی لوییزیانا

و مولف کتاب «محاسبات خشونت: چطور آمریکایی‌ها در

جنگ داخلی مبارزه کردند» در این مقاله نوشت که باید

افشاگری‌های مطبوعاتی درباره آماده شدن جناح رقیب برای

ایجاد نزاع پس‌انتخاباتی را جدی گرفت. بارتون گلמן پیش‌تر

در نشریه آتلانتیک فاش کرده بود که حلقه‌های تندروهای

جمهوری‌خواه موسوم به وفاداران در ترامپ تصمیم گرفته‌اند

در صورت ناکامی او در انتخابات سوم نوامبر

به شکل سیستماتیک نتایج انتخابات را رد

کرده و دست به نافرمانی بزنند.

شینان- دین در مقاله واشنگتن پست

می‌آورد: «سامروز با بحرانی مشابه

(جنگ داخلی اول) مواجه هستیم. این

آتش‌خوران جدید (وفاداران به ترامپ) از

او الگو گرفته‌اند تا تزی ریاکارانه را توسعه

دهند که هیچ حد توقفی ندارد. از نظر آنها

اگر ترامپ انتخابات را ببرد، پس سیستم

دارد درست کار می‌کند. اگر بیازد سیستم

فاسد است. هر نقادقی به این منطق نیز

فقط می‌تواند دلبلی باشد بر نیروهای نهانی

توطئه‌گر علیه ترامپ. خطری که این طرز تفکر برای ایالات

متحده دارد همان قدر جدی است که خطر جدایی طلبان

جنوبی در سال ۱۸۶۱».

همانند جنگ داخلی اول، امروز هم آمریکا در یک دو راهی

ایدئولوژیک قرار گرفته که جوامع مختلف و متضاد آن را به

سوی جنگ تمدنی سوق می‌دهد. اگر جنگ داخلی ۱۸۶۱

بر گسل میان صنعت‌سالاری و زراعت‌سالاری و در بستر

کلی‌تر کشاکش میان سنت و مدرنیته کمرکش قرن نوزدهم

میلادی در جهان غرب به راه افتاده بود، این جنگ داخلی

نیز بر گسل میان ایده قرن بیستم‌ویکمی «حکومت جهانی»

با ذهنیت ملی‌گرایانه «آمریکای بزرگ» به جا مانده از قرن

بیستم نضج می‌گیرد.

در حالی که دموکرات‌ها با نرم‌افزارهای حقوق بشری و دیگر ابزار جنگ نرم علیه ملت‌های مستقل- که از صهیونیسم جهانی عاریت گرفته‌اند- به دنبال ادغام حکومت واشنگتن در حکومت جهانی پهود هستند، ترامپ نماینده تفکری رو به

افول است که برای حفظ آمریکا به عنوان تک ابرقدرت دنیا تقلا می‌کند و به این امید واهی حتی حاضر است از همه سازمان‌ها و پیمان‌های بین‌المللی ۱۰۰ سال اخیر که خود واشنگتن بانی آنها بوده، بیرون بکشد.

جبر زمانه ما را یاری می‌کند که با نگاه به پیروز جنگ داخلی اول آمریکا، پیروز نهایی این جنگ داخلی احتمالی جدید در هم حدس بزنیم. مشکل اینجاست که ترامپ و حامیانش می‌دانند جبر زمانه این بار علیه جمهوری‌خواهان عمل می‌کند نه به نفع آنها.

■ **وحشت متقابل**

شاید تصور شود که مهم‌ترین عامل برانگیزنده جنگ داخلی، اصرار ترامپ بر ماندن در کاخ سفید تحت هر شرایط ممکن یا مطرح کردن احتمال وقوع انقلاب، بر همان تژ مزورانه شکست‌ناپذیری فوق‌الذکر استوار است اما در واقع ریشه‌های برخورد احتمالی میان نیروهای اجتماعی جمهوری‌خواه و دموکرات به شکل یک جنگ شهری را باید در وحشت متقابل رهبران آنها نسبت به وقوع کودتا از سوی طرف مقابل جست‌وجو کرد.

به کرات اظهار نظرهایی را از سوی دیگر شخصیت‌های جمهوری‌خواه و دموکرات دیده‌ایم که تهدید به تقابل

اجتماعی یا نظامی در صورت شکست خود یا عدم پذیرش شکست توسط طرف مقابل کرده‌اند. سناتور تد کروز، یکی از مهم‌ترین چهره‌های مدیریتی و امنیتی ساختار جدید حزب که نه جزو طیف ترامپیست‌ها، بلکه از شاخه جکسونی‌های قانون‌مدار است نیز اخیراً به صراحت گفته اگر کسی جز ترامپ از صندوق‌ها در بیاید، در آمریکا خون به پا می‌شود.

از طرف دیگر جو بایدن نیز بارها به جهت القای تژ مزورانه شکست‌ناپذیری خود گفته است اگر ترامپ بعد از انتخابات

گسل تمدنی و تنازع انتخاباتی، ایالات متحده را پس از حدود ۱۶۰ سال در آستانه یک جنگ داخلی دیگر قرار داده است

نوامبر خونین آمریکا



کناره‌گیری نکنند، نه مردم و نه نهادهای آمریکا نخواهند پذیرفت؛ یعنی تهدید طرف مقابل به شورش یا کودتا. حتی مقامات دولتی کانادا هم که طرفدار پیروزی بایدن هستند، اعلام کرده‌اند جنگ داخلی در همسایه جنوبی محتمل بوده و در آماده‌باش قرار دارند.

جمهوری‌خواهان در این زمینه دموکرات‌ها را متمم می‌کنند که از خدمات یک گروه ویژه از تحلیل‌گران برای مطالعه کودتای احتمالی بهره می‌برند. این گروه با عنوان «تی‌ای‌بی» (پیروژه انتقال تمامیت حکومت) همه حالات ممکن انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ را بررسی کرده است. طبق اطلاعاتی که به بیرون درز کرده، «تی‌ای‌بی»سرتکونی ترامپ از قدرت با اعمال قوای نظامی یا شورش مردمی را جزو برنامه‌های اصلی دموکرات‌ها اولویت‌بندی کرده است.

■ **گروه‌های میلیشیایا، کانالیوزور جنگ داخلی**

آنچه خطر جنگ داخلی دوم آمریکا را جدی‌تر می‌کند، این است که بر خلاف جنگ داخلی اول، این بار نیروی راه‌اندازنده جنگ نه در مقابل حاکمیت، بلکه خود در مرکز واشنگتن و در رأس قوه مجریه قرار دارند و دسترسی نامحدودی هم به قوای نظامی، انتظامی و میلیشیایا گروه‌های شبه‌نظامی دارند.

طبق بند اول از اصل دوم قانون اساسی آمریکا که به حدود اختیارات قوه مجریه می‌پردازد، رئیس‌جمهور حق فرماندهی نیروهای مردمی یا همان نیروهای شبه‌نظامی را دارد که در اغلب ایالات، متمم چهارم قانون اساسی به همراه قوانین فدرال به وجود آنها به عنوان مدافعان حقوق جوامع محلی مشروعیت بخشیده است.

آنچه باعث می‌شود نقش گروه‌های شبه نظامی در نزاعی به گستردگی همه ایالات برجسته‌تر شود، اصراری است که نهاد نظامی حکومت (پنتاگون) بر بی‌طرفی در مناسبات

خطرناک‌ترین گروه‌های شبه‌نظامی دست‌راستی آمریکا

سیاه‌پوستان زندند.

■ **گروه نئونازی فولکسورونت**



مهم‌ترین کانون فعالیت این گروه سواحل غربی آمریکااست و مهم‌ترین دیدگاه آن تشکیل حکومتی خودمختار و مخصوص سفیدپوستان در شمال غرب اقیانوس آرام است.

■ **گروه شبه‌نظامی اورجینس**

این گروه در مناطقی چون مونتانا، میسیگان، تگزاس، کنتاکی، اوهایو و اورگون فعالیت داشت. در برخی مناطق دفتر ارائه مشاوره رایر کرده بود و مهم‌ترین هدفش براندازی دولت مرکزی بود.

■ **گروه مرگ**



این گروه در لس‌آنجلس تشکیل شد. دارای دیدگاه‌های نژادپرستانه بویژه علیه سیاه‌پوستان است و مرتکب جنایات بسیاری بویژه علیه سیاه‌پوستان آمریکا شده است.

سه‌شنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۹

وطن‌امروز | شماره ۳۰۵۲

[**جهان**]

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت

دولت